

رحلت نموده در جنب شاه پیر محمد صاحب مدفون شدند حضرت مکی شاه
 رحمه الله علیه سادات باکرامت واجده خلفا سید سیف الله رفاعی رانیری و برادر
 بسم الله صاحب که قبر ایشان بیرون قلعه بمبئی است عارف زمانه بود خلائق سوره
 همیشه برای حاجت بر در آنحضرت حاضر میماندند و هر کس که از خانه خود اراده کرده میرفت
 همان می یافت سالی اما که باران شد اکثر معتقدان ایشان الحاح و زاری کرده البتة
 نمودند آنحضرت فرمودند که شخصی سراپا پسته در خانه فلان کفخی که بر لعل دروازه
 می نازد او را پا جامه و سایه و دستار به پوستاند پس محمد عارف و سید فضل الله و دیگر
 معتقدان لباس گرفته در خانه همان کفخی رفته اجازت خواسته آن برهنه عرض نمودند
 که مکی شاه صاحب برای شما این لباس فرستاده اند آن برهنه فرمود که اراده طلب
 بارش باشد پس پا جامه پوشید و دستار بر سر بست و سایه در بر کرد و ابراز اسما
 ظاهر شد چندان بارید که خلائق را بی نیاز گردانید آنحضرت بد هم شعبان ۱۲۱۰ رحلت
 فرموده و ترکیه خود که نزد دروازه اٹھوی به بنان پوره است مدفون شدند و بی صلح الله
 صاحب هر سال عرس آنجناب می نمایند شیخ سید شیخ بن سید علوی رحمه الله علیه
 از سادات با عبود آل با علوی اند سید علوی پسر آنجناب در سورت تشریف آوردند
 و بنا به سبب نمودند خدمت تولیت یازدهم و دوازدهم مولود شریف از حضور شاه
 بایشان مفوض گشته عالم و عارف بودند چهاردهم ذیقعد ۱۲۱۰ رحلت فرموده
 جد این عاوی اوراق شیخ بهادر مرحوم میگفتند که بوقت تدفین ایشان حاضر بودم
 چون ایشان را در قبر کردند خود بخود بطرف قبله گج شده احوال سید علوی

له نهای سجد زودت نظرایان در ۱۲۱۰ ش تا رهنوی المباحات من الصلوات سید علوی صاحب که مورخ او شیخ اجل بودند
 مطابقی در وی است که در سورت یافته نمیشود که از سورت و غیره است که در سورت و غیره است که در سورت و غیره است

معذرتی که از بنابر ایشان صاحب باطن اند و معمول تولیت یازدهم و او از و هم
 از سرکار انگریزیه در راه برسد ^{فصل پنجم} آرزوی سیدان صاحب خلیف عبد
 بن سید علی کبیر ابن سید عبد الله ابن سید جهانگیر ابن سید عالم بخاری ابن سید میران ابن
 سید حامد که ایشان کبیر شاه از احمد آباد همراه خود برده ابن سید میران که به چهارم
 ربیع الثانی سال رحلت فرموده ابن سید مبارک که امیر الامراء سلطان احمد ثانی پاشا
 احمد آباد بودند احوال ایشان مشروحاً در کتاب مرآت سکندری مرقوم است نیم رمضان
 سال شهادت یافته در رسول آباد نزدیک محمود آباد مدفون شدند سید پوره در
 احمد آباد بنا نموده آنجناب است ابن سید میران ابن سید علم الدین ابن سید شهاب الدین
 ابن سید علم الدین ابن سید ناصر الدین محمود ابن سید جلال الدین مخدوم جهانیان ^{تبرکات} غون
 علیهم اجمعین بزرگان سید میران صاحب در بندر سورت تشریف آورده سکونت فرمودند
 و قبر سید عبد الله صاحب بر نیگه حسن حی صاحب است متصل مکان خود و سید میران صاحب
 عارف محقق بودند خوارق عادات نیز از آنجناب بطور میر سید اکثر در پرگنه اور پاپا
 تشریف میباشند به نوزدهم ربیع الثانی سال رحلت فرموده در پرگنه اور پاپا رفت
 کرده از سورت مدفون گشته از آنجناب سید پیر عتب ما مذت سید میا صاحب فرزند
 کلان آنجناب در کعبه است تشریف میارند و سید قطب الدین عرف منجلی میان صاحب
 سلمه الله تعالی گاهی در بندر سورت و گاهی در کعبه است میمانند و سید میر صاحب کبیر
 خلیف آنجناب در سورت تشریف میارند سلمه الله تعالی ^{تبرکات} سید ابو صاحب

که بعد از وفات سید علوی معذرتی که یازدهم مغزت قرین مسلم شیخ محمد صاحب با مکتب رسید و احوال
 پدرشان بیان احمد صاحب با مکتب مجلس مولد میکند

و سید احمد دادار رحمۃ اللہ علیہما از اولاد قادیان پووند بزرگان ایشان از موضع ولایت ایشان
 و علی عطا پووند سید محمد دادا صاحب علامہ عصر خود پووند و منطق و دیگر علوم مدلی و نظیر
 مدنی منصب مولوی عدالت عالیہ بندر بہارک سورت بانجناب مفوض پووند تاکر نگر
 ذیقعدہ ۱۲۲۸ رحلت فرمودہ در قبرستان سجد حافظ بہار صاحب مدفون شد
 تاریخ : **مفخر سید علی احمد دادا**
 سید محمد نظیر رحمۃ اللہ علیہ بزرگان اش اجلہ شایخ این شہر و بہ تجارت مشغول پووند
 سید علی نظیر جد ایشان را موضع انٹوہ و بہار از بادشاہان ہندوستان عطا پووند
 سید محمد نظیر بہ دہم ۱۲۲۳ رحلت نمودہ در موضع سچین در جوار نواب سیدی عبدالکریم
 محمد یا قوت خان مرحوم مدفون شد و سید زمین نظیر برادرش مدنی و رسورت پووند
 بہ ختم شعبان ۱۲۳۱ رحلت نمود سید علوی نظیر از اولادش برای نام از سادات
 نظیری باقی اند سلمہ اللہ تعالیٰ سید محمد معنی رحمۃ اللہ علیہ از عربستان تشریف
 آورده در بندر سورت سکونت فرمودند صاحب کشف و کرامات پووند بسیار کار بران
 سورت مرید و معتقد آجناب گشتہ بعد منہاد ساگی بہ شازدہم ذیقعدہ ۱۲۲۹ ہجری
 رحلت فرمودہ در سب عید روسیہ مدفون شد **تاریخ**

صاحب فضل و ہنر عالی و کلمے پیر شری	عارف عرف حقائق صوفی ہر مشربی
حیف رحلت کرو آن علم الیقین	بر گرفتہ علم کل سید محمد معنی

این تاریخ حضرت سید امان اللہ استادی مرحوم فرمودہ اند سید محمود و داعیہ

کے تاریخ بروزات پاک فیض شری	عزق برفناج کشتی شد	گفت تاریخ فوت اولاد	قبلہ اہل دل ہشتی شد
کہ از اولاد سید علوی نظیر کی پسہ معروف چونے صاحب بود کہ در قصبہ میندری ضلع جزیرہ حبشان ہجرت	و از خانہ ان نظیر بیکران در قصبہ میندری ضلع جزیرہ حبشان بہ تخت حکومت نواب سیدی احمد خان دہم	اقبالہ موجود اند ۱۲	

سید منزل و اعطاء رحمة الله عليه از خویشان سید اسمعیل اعظم بودند سید منزل پیش
 عال سورۀ منزل بوده تخریفات اجنه داشته خوارق عادات ایشان بسیار ظهور در
 اهل بندروتن همه معتقد و مرید ایشان اند و قتی از خوارق سنگ کلان در آنجا بسجده آورده
 بودند و سید محمود نیز عالم و عارف بوده خسر سید محی الدین صاحب زاویه قادریه بودند
 به چهارم شوال ۱۲۳۴ رحلت نموده در نوکی سورت مدفون شدند محمد شاکر رحمة الله عليه
 اجد شاکر و میر شاه عبد الله صاحب صاحب کمال بودند بسیار زوهم و یقیده ۱۲۴۴ رحلت
 نمودند حاجی محمد تکروری رحمة الله عليه مجلس از مغرب در بندر سورت قشربین
 آورده در مسجد صالح چلبی سکونت فرمودند یک نهاره خورد و در گاه گاه نهد پسته
 یک چاروب بر سر نیز بسته در دست و یک شمیر کهنه بر میان بسته میکرد دید از طرف
 آسمانی نگاهبان این شهر بودند همه نورو و کلان این شهر معتقد آنجناب بودند و خوارق
 عادات از آنجناب بسیار ظهور میرسید و بطور مجازین بر می بردند تاریخ ۱۲۴۴
 رحلت فرموده در مقبره ابراهیم چلبی نزدیک مسجد چلبی مدفون شدند سید محمود
 صاحب جن کوتری رحمة الله عليه از اولاد شاه و چیه الدین علوی گجراتی ساکن
 محذوب بودند و لفظ جن کوتری تکیه کلام ایشان بود از مکان همه اکابران شهر سالیان
 معمول ایشان بوده که در سال یک وقت بمکان ایشان رفته میگرفتند و خرّم نکند
 از مولوی بهاولی خلیفه مولانا قمر الدین چشتی دهلوی باو همیشه صره کپزار روپیه و در

سده هجری هم بودند چنین منشی عبد الحکیم در احوال میر شاه عبد الدی نوینند و ایشان را سوی مبارک و قدم شمشیر
 نعل پاک حضرت خیر البشر صلی الله علیه و آله وسلم و کلام الله سبحانه و تعالی دستخط سیدنا علی المرتضی رضی الله تعالی و کواخانات
 مشق حضرت حسین رضی الله عنهما از استاد خود مولانا مولوی میر شاه عبد الله صاحب مرحوم رسیده بودند به شخصی از قوم براه
 مسج عرابت ساکن قصبه پراژ که است کرده از شهر سورت مسافت دارد و سپردند که تا حال به دوازدهم بیج اول سنه
 خودش برای حصول سعادت زیارت نگاه سازند ۱۲۴۴

از بلغان بازی میگردند و تیسکه در مسجد در محل تشریف میباشند صرہ ایشان بزرگوار
 کوتوال شهر از آن حضرت اقتضای نمود فرمودند جن کو تری برده روز دیگر آن صرہ معہ در دستگیر
 چون کوتوال پیش آنحضرت آورد آنحضرت فرمودند که جن کو تری برده لائق من نیست نگرفتند
 آخر کوتوال مرزا امامی صاحب لاچار گشته آن صرہ را در عدالت امانت گذارند تا که بعد از
 وفات آنجناب شخصی خود را وارث ایشان دانموده گرفت و قیام آنجناب در موضع برپا کرد و
 از سورت تشریف داشتند مقدم آنجا چارانه در پیاله کرده بخدمت آورد آنحضرت پیاله را
 گرفته در رود تپتی انداختند مقدم در اندیشه پیاله گشته که از قیمت خریده بود آن رود شش ضمیمه
 اکنون ضمیر او دریافته فرمودند که از زیر پلنگ بگیر آن مقدم همون اچار و پیاله را سلامت
 تعجب نموده این چنین خوار قات از آنجناب بسیار بطور آبرو که کوشستن آن طولی دارد
 بروز جمعه ۲۲ محرم ۱۲۲۵ هجری در سوگ او راه بر او میان جان صاحب سوگ
 پینی پا در از کرده جان بحق تسلیم کرد و نفس ایشان را در مسجد مر جان شامی در پلو
 سید سلامتی مدفون ساختند **سید محمدی صاحب** حرم از اولاد شاه جلیه نیسا
 علوی گجراتی مشایخ و اکابر این شهر بودند در ۱۲۲۵ هجری تولد نموده از لفظ **مصلح** اقدس تاریخ
 تولد ایشان برمی آید در بندرسورت تشریف آورده سکونت فرمودند و قاتلش بهیچ وجه
 او را مشغول بوده نشانزدیم محرم ۱۲۲۵ هجری رحلت فرموده در مسجد آبنابا بازی مدفون شدند
 سید شاه جی صاحب خلف آنجناب سلامه تعالی طالب علم و متقی و شامل اند خدا سلامت دارد
 و قادر میان نیر سید محمدی صاحب مرحوم سلامه تعالی در خلیق و طالب علم و متقی و دقیق
 و دوست این مادی اوراق اند خدا سلامت دارد شاه نور الله رحمة الله علیه از نواب

سید علی بهدانی اندخته خلافت از سید محمد خلیفه خواجہ محمد معصوم مجددی نقشبندی مایه در سنہ
 مبارک سورت تشریف آورده سکونت فرمودند و تا بیخ بست و دویم ماه ربیع الثانی
 رحلت فرموده و در نہر مسجد پاوشاہی متصل کنارہ تاسپتے بر دروازہ شاہی مدفون گشتہ
 پسر مولانا غلام علی بگرامی نسل سید عبدالحلیم بگرامی تا بیخ فرمودہ : تا بیخ

گر در رحلت ز عالم سانی | پیر روشن دل و خدا آگاہ

سال تا بیخ گفت الف غیب

ساکن بزم خلد نور اللہ

سید نظام الدین رحمۃ اللہ علیہ خلف سید قطب الدین ابن سید محمد ہاشم کہ در احمد آباد
 مدفون اند ابن سید شاہ جمال الدین کہ در محل پورہ بڑوہ مدفون اند ابن سید عبدالحق
 کہ در گنبد خانقاہ احمد آباد مدفون اند ابن سید عبدالقادر ابن سید قطب الدین صاحب
 کہ در جمال پور احمد آباد مدفون اند بہ نهم ربیع الثانی ۱۰۲۹ رحلت نموده سلطان بھادور
 گجراتی مرید ایشان بودہ پس سید نظام الدین صاحب مرحوم از احمد آباد در نہر مبارک
 سورت تشریف آورده در سیوم پورہ سکونت فرمودند ایشان جد مادیر غازی صاحب
 سورتی میشوند و مدتی بیا و آہی مشغول بودہ تا بیخ بست و دویم ربیع الاول ۱۰۲۶ رحلت
 فرمودہ و در مسجد بنا خویش مدفون گشتہ تا بیخ **بذات کامل بود**
 مولوی نور محمد شانہ گرسورتی رحمۃ اللہ علیہ فوت حلال از کتب شانہ گری و
 از ان شانہ گرسور شد تکمیل علوم از مولوی احمد علی صاحب و از سید محمد باد صاحب نموده
 گوشہ از واگزیدہ بیا و آہی مشغول بودند عالم و عارف بانند گشتہ بشانہ ہم و بعد ۱۰۲۸
 رحلت فرمودہ بہ مسجد حافظ بہادر صاحب در جنب مولوی احمد علی صاحب مدفون شد

تاریخ از منشی عبدالحکیم در تاریخ

<p>جناب مولوی نور محمد از عالم فناوه نوحه کربان چرخ برین بعلم منطق و حکمت مدرس بقراط یگانہ فاضل علامہ فروع حصول برای سال و فاش بگفت با غیب</p>	<p>بعشق ذات الہی جو پرخت جان بست کہ ہم نظیر در برابر زمین نبودست بعلم صوفی صافی انجام مدست زوند قرعہ بنام فضیلتش بنست جناب نور محمد نور حق بیوست</p>
--	--

دیگر

حامی علم گشته ز زمین

سید سخن شاه رحمۃ اللہ علیہ سالک و مجذوب بودند سابق در بندر بھر پنج
سکونت داشتند بعد از ان در بندر سورت تشریف آورده در نہان پورہ بچند
بسر برد صاحب کمال بودند بسیار کس دیدند کہ رودای خود را از شکم بر آورده می
و خوارق عادات نیز از آنجناب بسیار بطور سیر رسید تاریخ ہفتم ماہ ربیع الثانی ۱۶۵۸
رحلت فرمودہ بر سر راہ نہان پورہ مدفون شدند
احوال صحابہ و مشایخ کہ سند وفات شان معلوم نہ گشته
اکبر شہید رحمۃ اللہ علیہ قبر در عدالت بندر سورت و آسان پیر رحمۃ اللہ علیہ
قبر در رام پورہ و اوتا ولی پیر قبر در رام پورہ ابرہیم شہید رحمۃ اللہ علیہ
قبر در سورت نزدیک قلعه عرس این بزرگان شب معراج بست و ہفتم حب میشود
اشرف شاہ فقیر صاحب کمال بودہ وفات ایشان را پنجاہ سال شدہ باشد قبر بزرگوار

کہ مشہور باد بچی قبرست نزدیک دربار گریسند کہ از رفتای سید مذکور اند ۱۲

موضع کنار گام واقع بندرسورت است حاجی الایار فیر صاحب کمال بودند قبر ایشان
 در مسجد حافظ بنعابیگ خان واقع بندرسورت نزدیک قلعه است حاجی نجکر و شاه
 رحمته الله علیها اولیا الله بودند قبر بیرون دروازه بر یادسورت است بانی سپهر رحمة الله علیه
 قبر در ترکی وارثه سوت عرس چهارم شعبان میشود سپهر گهورا قبر در باغ رستم واقع سورت
 حضرت سید جلال بخاری رحمه الله علیه قبرشان کسی معلوم نبود ماخذ سعید سق شیخ حاد حیدر
 کلان این حاوی لؤلؤ بنیارجویلی نموده قبرشان درین آید شبارت دادند که مستبر اعلمه نماید
 پس من راحفر نمودند از آنجا قبر کنه برآمد علمه نمود کشف و کرامات ظاهر است هزارها حاجتمندان
 براد میسند و این کمتر نیز سایه عالیه سکونت میدارد عرس ایشان چهارم شعبان
 میشود و معمول عرس برفته کمتر است از عهد بزرگان چاند سپهر صاحب رحمة الله
 علیه قبر در تنگ ایوازه بندر مبارک سورت سیزدهم رجب عرس میشود در محرم الله شام

سید ذکریه شاه معروف مشهور است در میان احمد سری که یکی از تجاران ناسورت بودند از در چنده تعمیر آن کرده بنای رخ چهارم
 منقرض است رحلت کرد از آن پس یکی میان علی تباریخ ششم حاوی الاخری سید طاعت نموده که پسرشان حافظ میان عبدالله که نسبت
 رکش با تجوید قرآن میخواند و میان عثمان از دویم پسر میان حسین سید الله تعالی در سنه ۱۱۳۰ الهجره فوت شد از زینباده غیره این سنگ
 خام کرده از سوم پسر میان عبدالله که ایشان را یک پسر بنام شیخ احمد است هر دو برادر کار تجارت در منی اجرا میدارند خدا عمر دراز کند
 میان عبدالله لطیف ولد میان حبیب سغری که تاجر احمد آباد بودند بسیار مستقد ایشان بوده و حالا هر چه هست از دعای ایشان است
 سید سلطه اندرون در گاه میان عثمان ولد پسر میان ناو خدا و برادر زاده اش عبدالله ولد میان محمد ناو خدا از سنگ در مرده سنگ
 درست ساخته اند در گاه جلال بخاری صاحب تمام بوسید شده بود در سنگ از منور تعمیر شده سید در تنگ ایوازه مسجد چاند پیر نیام
 ایشان مشهور است چونکه شبیه از چاند شبیه معروف از قبر ایشان در انجاست و ابه مسجد بسیار بوسید شده بود در سنه ۱۱۳۰ میان محمد سینه
 و میان اسیب سینه خلفان میان حال الدین کاغذی مرحوم از منور مسجد رکش ده فرسخ ساخته و ابه و غیره پنجه عمارت ساخته اند منور
 دغانی کارخانه قرطاس نزدیک دروازه جاری کرده اند که هر سال آل هزار باره و پیر برمی آید در نیام در سنه ۱۱۳۰ قرآن خوانی است از
 عبدالله صاحب پیش مرحوم که تباریخ ۱۱۳۰ حاوی فی سلاطین طاعت نموده در قبرستان مسجد مد فون شدند مدد اشاگردان فیض
 بوده حالا پسرشان حافظ امیر صاحب سلاطین بجای ایشان درس میدهند تباریخ مسجد مولوی محمد و صاحب گفته تباریخ

چون بنا شد بی بنیاد بود فکر سیاح سال قبرش به گشت خانه خدای پاکینه

سوزنیبا خوشنما شد	مقدس مسجد تقوی اساسی	زیر طاعت مولانا صاحب شد
همین مسجد خالقانیه بنا شد	میان دادغان صاحب فنی سیاح گفته	تباریخ مسجد چاند پیر نیام

المعروف را مله شاه فقیر مجذوب بودند برهنه میگرددند بر پنجاه سال رحلت نمودند و یک
 درگاه عیدروسیه در بندرسورت مدفون گشته ز سچان شاه فقیر صاحب
 کمال در سورت بودند وفات ایشان را نسیه پنجاه سال شده باشد و عیال الدین
 پوره سورت مدفون شدند **سید عمر العیدروس** رحمه الله علیه از سادات
 عیدروسیه و له الله بودند بفرج رجب در بندرسورت رحلت فرموده شاه
 عظمت **العلوی** فقیر صاحب کمال بودند در بندرسورت واقع نمان پوره و یک
 دروازه امشوه بر زمین رسیان باقی که متعلقه این کمتر است مدفون اند عرس
 ایشان به بست و نهم رجب میشود شاه **علاء الدین** فقیر صاحب کمال پوره
 قبر در ستم پوره سورت عرس به بست و نهم رجب میشود **سید عمر محضاً**
عیدروس رحمه الله علیه و له الله بودند بدوازه دهم شعبان رحلت نموده در مسجد عیدروس
 سورت مدفون شدند **سید کمال** رحمه الله علیه از اولاد قاوریه خلیفه سید **سید**
 سورتی اولیاد وقت بوده رحلت نموده در مسجد شاه نور صاحب در بندرسورت
 مدفون شدند **کریم الله شاه** رحمه الله علیه فقیر صاحب کمال بودند قبر در ستم پوره
 سورت است **کریم شاه** رحمه الله علیه فقیر صاحب حال بوده در ترکیه متصل رفیع
 برج واقع سورت مدفون اند **شاه لطیف** رحمه الله علیه یکی از اولیاد الله بودند
 قبر ایشان متصل مسجد مرجان شامی در بندرسورت به شب برأت عرس می شود
 لکن **شاه** رحمه الله علیه یکی از اولیاد الله بودند قبر در ستم پوره سورت است
 میماه رحمه الله علیه از اولیاد الله بوده به بست و نهم رمضان در بندرسورت
 رحلت فرمودند **سید مدنی** صاحب رحمه الله علیه آنحضرت با علماء و عابدان ^{باراد}

حج بیت الله الحرام در بند مبارک سورت تشریف آورده نزدیک قلعه که در آن وقت
 بنا میشد فرود آمدند گنجیان که در پی انندام قلعه ساعی بودند خداوان قلعه تصور نمود
 بر این جماعت شیخون آوردند همه با بینه شهادت رسیدند میردنی صاحب اندرون حصا
 قلعه مدفون ساختند و دیگر شهدا هر جا که می افتادند در آنجا مدفون شدند پس موجود
 و یک قبر نزدیک متصل دروازه راه اواره و سپهر چک و رنگسا لیواژه و ابترام
 شهید و سید برهان الدین المعروف سپهر مجوری که نه کس در آنجا اندوشتند ایام
 که با دینی قبر مشهور است نزدیک دربار و یک قبر ترکیواژه و یک قبر عقب مسجد مرجان
 شامی و غیره شهدا که عرس ایشان به است و هفتم رجب شد و مرجان شامی
 رحمة الله علیه که از ملا زمان خواجه صفیر خداوند خان بانی قلعه سورت بودند بعد از وفات
 خواجه صفیر مسجد مرجان شامی و گنبد خداوند خان بنا نموده وفات یافته در دروا
 قلعه پانزده سی و دو کرده از سورت نزدیک بساژ واقع است مدفون شدند
 سید منعمین رحمة الله علیه یکی از صاحب کمالات سورت بوده در مسجد احداث نمود
 در سورت مدفون گشته مراد سپهر محمد شافع رحمة الله علیها یکی از اولیا بودند
 در ستم پوره سورت مدفون شدند حاجی مراد شاه فقیر صاحب کمال بودند
 هر یک صد سال قبل ازین رحلت نموده در مسجد نزدیک دربار سورت مدفون اند حضرت
 نوشید صاحب سورتی رحمة الله علیه از شهدا رنقدمین اند از سولانا اعلام محلی اند
 مرحوم خلف مفتی محمد عبدالله صاحب مسموع شده و ایشان از بزرگان شنیده اند
 که سابق در نو ساری عالی بود گسائین نام ساحر مشهور و قطلاع الطرق و بارها
 از سحر شکر اسلام را شکست داده سلطان قطب الدین عازم جنگ او شده شکست
 خورده

از جناب الهی مستح فوہت جناب سرور کائنات صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در عالم رویا
 بہ بادشاہ مندر نمودند کہ در شکر تو چندین فقرا صاحب کمال اند از ایشان استمداد بخواد
 پس سلطان از ان شش بر اوران استمداد خواستہ ایشان بار نقای خود بعد از نماز
 جمعہ جنگ کردہ بدرجہ شہادت رسیدند و سید احمد المعروف غیب بن شاہ وغیرہ کثیر
 شد اہدیان جنگ شہادت رسیدند و سرہای این نوشہدا در نو ساری اند بی سر جنگ
 کردہ تا بہ سورت رسیدند و بعد از شہادت ایشان مستح اسلام شد پس تہو ایشان
 ناپدید بودند خواجہ ابوالحسن خلف خواجہ و اما صاحب نشان شہداد او نہ چون کندید
 وہ شہید برآمدگو یا کہ ہون وقت شہادت یافتہ اند و خون جاری بود پس مزارات
 ایشان را علحدہ نمودند کہ اکنون زیارت گاہ خلایق است و ہزار ہا عالم بجا خود سجد

عمرس ایشان بہ نهم رجب می شود

از اوراق تذکرہ الصالحین تالیف فشتی عبدالحکیم صاحب

اکبر شہید قبر ایشان برنارہ گوی تالاب سمت مشرق واقع است
 حضرت ابوطالب شاہ مزار شریف در بجا کہ تالاب کہ تکیہ است در آنجا است
 اکثر تکیہ آنحضرت حرمت کلان مدفون میشدند ابراہیم شہید مزار ایشان
 در سید واژہ نزد درخت بزرگ مشہور است در آنجا است پیرو سید
 ابراہیم شہید قبر این بزرگان در بجا کہ تالاب پیہ خشک صاحب گمانات

کہ حاجی عبدالحکیم گوشتہ تالابیا معتقد بودہ برستہ ہارسالی از رز چندہ قبرہای شہدا و سخن در گاہ
 از سنگ مرمر درست نمودہ دروازہ شان دار ساختہ و زمینہ و چوبترہ و غیرہ از سنگ نام بنا کردہ بہ
 تاریخ است و دوم محرم الحرام ۱۳۱۷ انتقال نمودہ پیش عبدالحکیم بوجہ بدر بجا باقی ساعت ۱۲

در باغ منع مزار ایشان است پس طالب علی شاه قبر ایشان در با که تا لایق است
 و مقابل او اثره چاه پیر موجود و قبر ایشان متصل بازار چوک مقابل قلعه پیر مجاهد
 از بزرگان حیدرآباد حضرت الله علیه قبر ایشان متصل حویلی رستم علیخان نواب که حویلی
 شیخ زبیر مشهور بود در پارسی واژه قریب شاه پور رسید ولی از خلفائی شاه
 پیر گجراتی اند مزار ایشان در صلابت پوره قریب بیگم باغ و صفدر باغ و محمدی باغ
 مسجد مصلاهی عید گاه مسجدیت کور راه آفتاب

بزرگان ذیل هم سورت آسوده اند

ابراہیم شاه المعروف مستان شاه مجذوب صاحب حال بوده بسیار کسان
 معتقد ایشان بودند در اثنای ۱۱۵۰ هجری رحلت نموده بیرون گنبد خوابه صفر در
 مسجد مرجان شامی مدفون شدند و از صحبت ایشان سید عمر بن سید احمد عرف کلوت
 میان العید روس بحالت مجذوبیت رسیده بودند مرزا احمد کی از مجذوبان بوده
 در ۱۲۰۰ هجری رحلت نموده بیرون گنبد خوابه صفر در جنب ابراهیم شاه مدفون شدند
 پاوا جان مجذوب صاحب کمال بوده همیشه برهنه می ماند میر عظیم الدین
 ولد سید الدین بخشی صاحب سورت بسیار معتقد ایشان بودند و هر چه یافتند
 از و کا ایشان بود تا بیخ دوم ماه رمضان المبارک ۱۲۰۰ هجری رحلت نموده متصل گاه
 سید جلال بخاری صاحب در سکونت گاه خود مدفون شدند خیر الله شاه میان

شیخ زبیر مرحوم از اکابر شهر و تاجر و مشهور به سستی والا بودند بعد وفات پسران شیخ احمد کار تجارت جاری
 ساختند مالا پسرشان بنام شیخ زبیر با یک کار است ۱۱

از شاه میران شخیص حاصل نموده در دروازه مشغول می بودند و در سبوح چتر اول سکونت
 داشته از حلقه ذکر ایشان بسیار کسان مستفید می شدند و کثیری معتقدان آن بودند و تقوید
 ایشان صحت می یافتند تا تاریخ بست و دوم رجب ۱۲۳۲ هجری در حلقه آن نموده در درگاه خواجه محمد
 و در صاحب مدفون شدند مولوی محمود صاحب تاریخ گفته * تاریخ *

ازین دارقانی بدار بهت	چو تشریف خیر الله صاحب نمود
ز سال وفاتش بمحمود واقف	مذاذ و گدای خدا ترس بود

دیگر

محمود سال رحلت خیر الله شاه ^{۱۲۳۱} واقف ندای داد خیر الله شاه ^{۱۲۳۱} مکتل

حضرت شاه محمود و خلف شاه مراد ابن شاه محمد شریف اوزنگ آبادی از اولاد
 خواجه شاه حبیب الله نوشهروی کشمیری که نسب ایشان بحضرت عبدالرحمان بن خلیفه
 حضرت ابابکر صدیق رضی الله تعالی عنهم می رسد حضرت شاه محمود نعمت باطنی از پدر خود
 شاه مراد ایشان از پدر خود شاه محمد شریف یافته اند و شاه محمد شریف در ^{۱۲۲۹}
 از کشمیر در اوزنگ آباد تشریف آورده سکونت ورزیده خسته خلافت و نعمت باطنی
 از شاه نظام الدین اوزنگ آبادی یافته بودند شاه محمود از اوزنگ آباد در سورت
 تشریف آورده سکونت ورزیدند و تاریخ سوم ذی الحجه ^{۱۲۲۹} بیک حق را بجا بیاورد
 در رام پوره سورت مدفون شدند حال حاضر شریف زیارت گاه طلائع است
تاریخ داخل الجنه علی دیگر طاب تعالی شاه
 خلف اول ایشان شاه غلام محی الدین عرف نهنی میان که در صین حیات پذیر خود در ^{۱۲۲۹}
 رحلت نموده در احمد آباد بمجله راجپوره مدفون شدند از ایشان میان قدرت الله که در

کالے بازار میں مدفون از میان قدرت اللہ میان بارک اللہ درین اند سلطنت
دوم خلف شان شاه محمد مقصود عرف حاجی میان کہ نسبت از پدر خود یافته بود درین فرست
استقامت کرد و در ہمای خلایق گشتہ اکثری کس خصوصاً حکم مقبروں و ذبتایح شم
ذی الحجہ ۱۲۵۵ھ رحلت فرمودہ در کالے بازار میں مدفون شدند کہ ہر سال عرس شریف
میشود از ایشان سہ خلف عقب ماند اول شاه محمد نور الدین کہ بتاریخ ہفتم جمادی الاولیٰ ۱۲۶۴ھ
در سورت رحلت نمودہ در جنب شاه محمود بجانب قبلہ مدفون شدند کہ ہر سال عرس میشود
دوم شاه محمود ثانی بابا میان خلف دوم شاه محمد مقصود بر جای سجادگی والد خود بودہ
و ہمیشہ سکونت درین دہشتہ سوامی یارت بزرگان عظام نزدیک نسبتند از ایشان
فیض جاری بود بتاریخ بست و سوم ماہ ذیقعدہ ۱۲۵۸ھ رحلت فرمودہ در خانقاہ
سراج الاولیاء مدفون شدند بتاریخ

چونکہ جام وصل نشیہ آن محمود شاہ	گفت ہفت سال او بی وصل باوالہ
---------------------------------	------------------------------

از ایشان دو خلف ماندہ اول حاجی میان صاحب و دیگر مغل میان صاحب سلمہ حاجی میان صاحب
بر جای سجادگی والد خود شدہ خرقہ خلافت و فیض ظاہری باطنی از عموی خود شاہ مستند
معین الدین صاحب یافتہ و در عہد سلطنت استعداوی پیدا کردہ و مناسب حج بہ آوردہ و مثل
پدر خود سوامی یارت بزرگان نزدیک کسی زرقہ و بسیار کسان از فیض رسانیدہ بتاریخ سوم ماہ
رمضان ۱۲۵۸ھ رحلت فرمودند چونکہ اکثری در خانقاہ حضرت سراج الاولیاء مدفون ماندند
مدفون ہم پائین پر خویش شدند ایشانرا سہ پسر اول پیر صاحب میان کہ خرقہ خلافت از شاہ
معین الدین صاحب مرحوم بد خود یافتہ بر جای پدرا قائم شدہ دویم شریف صاحب میان
سوم علم الحق میان سلمہ اند و سوم خلف شاه محمد مقصود محمد معین الدین بتاریخ دوم رمضان

۱۲۳۹ تولد فرموده عمر شریفه سالگی نعت ظاهری باطنی از پدر خود حاصل نموده اجازت طریقه گرفتند و مشرف حج بیت الله شریف گشته و از زیارات بزرگان فیضها برده اکثری زمین و چندی در سورت و غیره تشریف میدهند در ۱۲۹۶ از حضرت شاه محمود که کنه و بوسیده شده بود از سر نو تعمیر کردند کسی تاریخ گفته تاریخ هور و ضد بعد جنان و دیگر باز تعمیر شانیه و نیز در ۱۳۰۲ مکان بزرگان خود در سورت اندامها از سر نو مقابل درگاه شاه محمود بنا نمودند که حالا هر دو عمارت موجود اند تاریخ غزه در ۱۳۱۲ در مین حلت نمود و خانقاه سراج الاولیاء دفون شدند برادرزاده شان میان

تاریخ گفته تاریخ

چو از دنیا بفرس برین شد	معین الدین شد محبوب مولا
عجب تاریخ تر سلیش عیان شد	چو سراج حق ولی محبوب مولا

اوصاف حمیده ایشان از احاطه تحریر بیرون است بسیار کسان از ایشان فیضها یافته از ایشان یک خلف رشید شاه باو شاه میان صاحب درج و تقوی و خرقه خلافت و شمشیر ظاهری باطنی از والد ماجد خود یافته بر جای پدر خود قائم اند سلسله در مین گجرات سکونت و برزده در سورت هم آمد و رفت میدارند او سبحانه بر صراط استقیم قائم وارود هم ایشان از احمد سراج الدین و محمد اهل الدین و محمد معین الدین فرزندان اند طلوعه یوسف شاه فقیر موسی بهاگ خوارق عادات داشتند تاریخ سیر و هم ربع الثانی ۱۲۹۵ رحلت کرده و قبرستان جلاوار دفون شدند

خاتمه

الحمد لله المنه که احوال بزرگان سورت که در علوم ظاهری و باطنی بهره داشته اند با ختام رسیده آن ذات باری تعالی عزاسمه از کریم عمیم خویش و بوسیده حضرت خیر الانام و آل و اصحابه الکرام

و اولیا و عظام و لطیف بزرگان مندرج در این رساله مطبوع طبع خاص عام گردانیده خاتمه
 این عامی پر معاصی محمد بها و در باخیر و النجاه گردانند آمین یا رب العالمین و جمع آوری
 حالات نوبت تمام تالیف پدرم که رحمت خدا بروج شان باد از اوزان جمع کرده و تصانیف
 نقشی عبدالکریم صاحب مرحوم که حضرت سید حسن العیدروس از دست عبدالرحمن عرب صاحب
 العیدروس نقل گناییده بودند و از تاریخ آئینه ماخوس و احوال عیدروس تالیف سید عبدالرحمن
 صاحب موصوف و از انساب سادات عیدروسیه و غیره که از جناب سید زین صاحب
 دست آورده بودم بسیار بدو این احقر رسیده ممنون و مشکورم - انشاء الله بعد از
 تاریخ سورت از ابتدای آبادی ما^{۱۲۶۵} تا حیات خود و والدهم رحمة الله علیه نوشته
 اندرون تازه تازه نوبت احوال و اصل کرده و احوال خاندان اهل سورت مثل خانان
 توابع صاحب و نقشی صاحب و ملا عبدالعسفور صاحب و چلی صاحب و غیره و حال کمال از توابع
 نسبت داشته باشند و آن داخل نموده بدین ناظرین حواسم کرد و حاد ایستادین گنا و

از من از جمله جان آمین باد

الهی مملکت ملکه منظره قیصر منید و انگلند تا دور قصر فلک برقرار و شاهش ملک عرا و را
 بساط طبع رسا ناد آمین آمین و نینه او سمانه عز شایه قمر خاندان راجا و الالبابا ر سرت
 سرکار گانگوار سیاهی او سینا حاصل خیل شیر بها و فرزند خاص دولت

انجمن شیه جی سی - ایس سائی - مندر آد دولت ریا بڑوده را
 از فضل و کرم خویش در گاه سلا با کرد آسته ریا
 سرتش قائم دار و امین

نور آمین

سلا

تقریظی نظیر از فکر حاوی معقول و منقول جامع فروع
 و اصول اویب لیبیب جناب مولوی قاضی رحمت اللہ
 صاحب مدرس اعلیٰ مدرسہ جناب حاجی شرف بہار تھانہ

اکلم مع اسم الله ارحم الراحمین

الحمد لله الواحد القمد على ما علم آدم الاسماء كلها وكره اولاد آدم لحصول العلم مع
 اصولها و علم اولاد آدم كل العلوم و صرح لهم احوال الامصار و اهلها مع علم
 الاصول على ما سواهم و سلسل العلوم مع الاصول و الحصول لكل الماهر المحصل المحتر
 الممول و صل على الله و سلم على رسوله المكلّم مع الله على طور السماء كما كلف الله مع موسى
 على للطور المعلا مع لعكس اللامع لما لك السماء اسم المكر موصول مع اسم الله على
 اللوح المطهر كما ورد لما رى آدم اسمه مع اسم الله المعطر كلوا اله الا الله محمد رسول
 و كر مراداً كلامه المكرر و على اله و اودانه امداد و على كل الامام الموصل الى الهدى
 و دار السلام مع المرام سرمداً اما و راء الحمد و السلام ارامهد كلام الدرر المحتر
 علم الاحوال و الاعوام مصرحاً ليمط كلامه الميمر على مرور الدهور مع الاعلام
 و حتر سطور كل اللؤلؤ اللوامع ما ادركه المدرك و ما احسده ما هر للعلوم و ما
 لس و الله لو ادركه مدرك لصرح هو محرر مع المداد المسك و المعطر على
 اللوح المستوط مع ماء الورد المطهر و لو لمحه لا يخ لكل لحه و لو طالع مطالع لسر

سرور الملك ولو سلك سالك مسلكه لصار حرمه وادراكه علو على الملك لله
 ذر المحتررا ولى العلم الكامل ما طال الدهر لا صرار السطور مع الدلائل والربائل
 كلاما سلك احد مسلكه سواه والله هو عالم لكل المحاصل والمراسر ومحصل لكل
 اطوار العالم والمكارم وموسس لاساس اصول الحكم ومدلل للدلائل العلوم
 مع الحلم كلاما حري للذم من المهم واحل كالسكر والعسل لمحصل هو اذ الكرم
 وهو الشيخ البهادر المورخ لباب عكة المحمية البلدة المباركة التوراة اعلى الله
 عليها على كل العمود محلا وادرا احد كل جاسد مع الحمود مسلا واحمد الله
 على كل اهلها المطوع للاسلام امدا وادم الله على اهلها الحاكم المسلط مع العدل
 والوسط والاكرام سرمد الى سر الله
 والاعصار على كل الصحراء
 واللامصارة



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَتَرْنَا	قَدِيمًا وَالرَّحِيمِ قَهَرْنَا
وَهَلْ تُعْنِي جَلَادَةُ ذِي حِفَاظَا	إِذَا يَوْمًا لِمَعْرَكَةِ تَرَلْنَا

بسطة باب الوجود حمد من اسما الاقدس فاختار كل كتاب وفهرسة قنفة الشهوة
 ثناء من با كورت حمد وفي رياض الخير مطلع كل باب ونساء التصليية والتسليم
 سارية الى حى النبي الكريم وازهار الخيرة باسمه على عرش الاصحاب والآل ما برق ذكاه لمع ال

فَتَوَادِي وَاي وَاللَّسَانِ مَتَجَم	وَيَارِبِّ يَا رَحْمَنِ فَضْلِكَ أَكْرَم
--------------------------------------	--

وانى لمضطرو صيحي عافتنى

وهل غيرت العبد للعبد حين

أما بعد هذا الكتاب الموسوم بحقيقة السيورة بأسمائها التاريخية المشتمل على تحقيق السيورة
 واكتافها وفي بيان احوال اهل العلوم الذي جمعه كبري الخصال جزيل الشامل افاض الشواكل
 ملاذ الارامل مخرج الدرد من بحريه وموقد سراج الرشاد في الليل الذي جرح عالم من البراهنج
 المتداوله نجد افيها عارف القوانين المتدارسة بنقيرها وقطيرها صدر ايران الفضائل
 العليا متكنه سرير الفواضل الحسنى رفيع القدر عظيم الشأن جامع الكمال المكنة لنوع
 الانسان حضرتنا نائب الصوبه عالي الجاه الشيخ البهادر بن شيخ احمد المرجوح التورقي مابرج
 الاقبال ركائب الرغائب اليه يزجي ما كان الكذب يهلك والصدق ينجي واربعين
 النظر فيه الى تحقيق المطالب وتدقيقه الرسايل وتاليفه الفواضل وتقدية الرسائل مع زحام
 من الهياط والمياط ولقي للقاط على التباط والمناط في ضيق من الوقت من كثرة المشاغل
 وضبط امصالح الامور وفصل المعامل لادركت ان يوجب الجمل في سم الحياط ويبذل القطن
 بالانسياط والتخ بالنشاط وبالجملة فقد جاء في هذا الزمان الاخير والدهم الفقير جامع
 للفضائل التي قلما تجتمع في رجل من الانسان حاوي للفواضل التي قصر دون يتيانه لسان
 القبان وهذه ذرة من ميدان مناقبة العلية وقطرة من مجد مجارمه الجليلة اللهم
 احفظه من نواب الدنيا وطوائرها واجعل عواقب اموره احسن من فوائدها وكتابه هذا قد
 حوى من الفوائد النفيسة والعوائد الجديدة ما لم تجمه كتب المعاصرين من المؤرخين كابر
 عرب حارة تخريها بالغا من حفظه صار في الاقران نابغا وهو عبارة سهلة المساق
 اشتمت من قطائف النعيم واشارقة عذبة المذاق اهنو وامر من مياه التسيرو وبيان واضح
 اطيب من ازج الفسيم واستغارة طيبة اطرب من وجوه وسيم مع ما اشتمل عليها كتاب

من ايضاحات مستملحة وقلوبيات مرثعة وتخريب مذهب وتقرير مستعذب قلما اشتغل
 عليها كتاب احتوى عليها خطاب فهو كتاب واي كتاب وعباب من العلم الوافر واتي
 عباب صحيفة غزراء لم ينج بعد على منوالها ونسخة كالغيد العذراء لم تسخ طبعه بشا لها
 بل ماروى الراون تمحوا ولاى الراون ضرها فيها ما لم تطع عليه اذهان عالية
 ولرقتها اذن واعية كانها حرد مقصودات فى الخيام لم يطمها قبل ذلك انس ولا جان
 اذا رايتها حسبتها لو لو انشورا او حويزة سقيت من كاس كان مزاجها كافرا ترتيبه
 الايق يبرى بعقد الدرود تاليفه الرشيق فيقع حديقه الزهر ناق فى الصفا على الترتيب
 واربي فى القنوع على العيق وهذا ما ريج تاليفه من شعراء البلديين عن طاله الى الابد اتا الله

لهو كل اود واطال لهو الامدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَمْدِ اللَّهِ فَتَدَهَبَتْ إِلَيْنَا	رِيَا حُ الْعِيسِرِ بِالطَّبَعِ الْكَمْرِكِي
مِنَ الشَّيْخِ الْهَادِرِ قَدْ تَبَيَّنَ	مَرَامُ الْعِيسِرِ بِالتَّارِيخِ هَذَا
وَقَدْ طَالَسْتُهَا بِالْحَجْدِ وَالْكَدِّ	وَجَدْتُ كُلَّهَا آخِرِي وَأَسْنَا
أَلَا يَا أَيُّهَا الْقَاضِي الْمَحْسَرِ	مَثَلِ التَّارِيخِ بِالْوَجْهِ الْمَعْلَى

قَصَدْتُ رَقْمَهُ مِنْ قَدْرِ نَقِصِ

فَأَنْشَدْتُ لَتَارِيخٍ مُجَدِّلاً

← اَيْضاً →

جِدَانَا مَهْ كَهْ وَرَقَش	صَنُوْا فَنَابِ رَاوُ كَش
بِرُورِ تَمَاشِ جِدُولِ زَنَكَا	صَفْتِ سَبْرِهِ بِرَبِّ اِنْمَارِ

<p>نقش پرواز معنی زکین مذاو بر سپر صفا ہلال از تاملی صاحب تالیف نطق او آفسر دیگار سخن صانہ ریہ عن الآفات</p>	<p>سروش گمانہ خانہ چین نقطہ اش نجم آسمان کمال بلکہ ہر مد زبان پرتو صیف ہمہ کج طبعش گل بہار سخن یعنی شیخ بہادر عالی دستا</p>
<p>نام تارکینی او چہ خوش صورت خوب گفتہ حقیقت السورت ۱۳۱۵</p>	
<p>ایضاً</p>	
<p>بہادر شیخ وہ عالی حسبے نظیر او سکا کمان ہماہ کبے کہ طول گفتگو ترک او ہے کہ ہر اک قصہ جسکا فتنبے قیامت سے بیان مضمون غضبے کہین پہلے ہوئی تھی اور اب ہے</p>	<p>گرامی نزلت عالی نسبے ہر اک علم و ہنرمین ہر وہ یکتا بیان کیا کر سکون تعریف اونکی لکھی وہ اندون تاریخ سورت نرالے لفظ ہین معنی عجیبے کوئی تاریخ اس تحقیق کر ساتھ</p>
<p>سہرا عدد اقلم کر لکھدی قاضی سند بھری یہ تاریخ عجیبے ۱۳۱۵</p>	
<p>تقریب و تاریخ چکیدہ کلک جو اسرک</p>	

مشفق محبت جناب محبوب لوی عبدلرزاق صاحب مدنی

روایع عطر بسینہ حمد عالم و عالمیان سزاوار آن باغبان گلشن امکان بہت کہ را ستم
 قدس رحمت او مراح ارواح انس و جان بل باعث شگفتگی گلہای زمین و زمان و نفاخ
 مشک سینہ نعت مؤمنان شایان آن گل گزار عسرفان و شترہ وجود کون و کون مکان
 کہ از نکت کلام غیر نشان خود و رشام قلوب بجان جان و میدہ و گیاه وجود ساز
 باب گل ایمان نسرین و نسرین ساخته صلے اللہ علیہ و علی آلہ و صحابہ وسلم :-
 اقامت بعد بر شائعات تو ایخ عالم و ولد او گان سواخ اولاد آدم مخفی خست
 کہ شہسورت و زبانی عمدہ بلدان ہندوستان بودہ و صورتی پر ہی مثال ستی از
 خط و حال یا منطک و لغزب باغ نونال و ہشتاد اما بموم خزان کہ مستلزم ہم
 بہار بہت و طوارق زمان کہ ہر آن در کار بہت بد و راہ یافت و آن صورت نور
 باین سورت مذکور مبدل شد لہذا جناب فضیلت انتاب شیخ احمد صاحب
 بخشویان کہ سپر مذمت حج سورت بودند تا یہی قتلے ساختہ و دوران حال
 آن باغ خرم سورت نگاشتہ تا مردمان چشم اعتبار و حضرات اولی الابصار بہند کہ
 چہ گلہای دولت و داد و غنہای علم و فضل و داد و ورین ریاض خرم و شاد و میدہ بود
 و چہ سیوہای عرفان و فواکہ عدل و احسان درین روضہ بہت آباد رسیدہ و نام این
 باغ حدیقہ احمدی نہادند لکن حدیقہ چشم نام از دیداران حدیقہ کام نام
 ماند و آن پیکر محبوبی و رجلاہ اوراق محبوب دستور بود و تا حال منصفہ آری شود و نور
 شدہ لکن بنا بر آنکہ کل امر صرہوین با وفا بہت است و درین زمان فرحت تو زمان

تاریخ مذکور را نظر حلیب پیشال فاضل باجمال مولوی محمد عبد المنعم صاحب باعظمت
گذشت و خوبی و نصارت آن حدیقه ایشان را بدین گماشت تا فرزند فاضل مرحوم صاحب
شیخ بہا و صاحب تحصیلہ ارسند و نائب صوبہ گانیکو اثر را بر اشاعت
آن حدیقه ترغیب دادند تا حدیکہ اگر طبع تاریخ کامل بنا بر بعض وجوہ احوال ممکن بنما
ہر آنہ اندکے از خیلے و قطرہ از سیلے شایع کردہ شود تا دیدہ اہل بصیرت مشتاق این
حدیقه اینقہ شود و نیز بزرگان و پیکر سورت را کہ نزد ایشان کتب و الوجود موجود اند نقل آنہا
از افکار عالم مفتوح است ازین اقدام شوق اشاعت بہر اصحاب خیرت پیدا شود
بمصدق الدال علی الخیر کفاعلہ ثمرہ این مرام از ورگاہ ایزد علام اول با ایشان
عامد گرد و بنا برین خلف الصدق فاضل مرحوم کہ الولد سرا بیہ بر ایشان صادق است
از جلد سوم تاریخ حدیقه احمدی کہ مشتمل بر احوال علما و صلحای سورت است ذکر
بعض از ایشان بترکات و تمنا اخذ نمودہ و حلیہ طبع پوشانیدہ بدین ناظرین با تکلیف نمودند
کہ ذکر اخبار و ابرار موجب حسنات و رحمت کردگار است

<p>عد ذکر نعمان لانا ان ذکرہ</p>	<p>هو المسک ما کردتہ تیضوع</p>
<p>تاریخ این گلستانہ باغ رضوان بنماطہ فخر این بیچدان چنین رسید</p>	
<p>کہ را ہمیشہ لطف ازل در جهان بنما لاکن چنین مادر گیتی و گرز او پیش از زمان حال ہمے آورد بیاد مدلول را بدال شدہ طبع و استعاد تالیف فاضلہ است کہ یادش بخیر باد</p>	<p>ای جہت از سالہ طبع ہر ہفتاد شد ہر زمان ز پور تواریخ بارور ز انجا کہ از حقیقت سورت عثمان سے طفرای نام وی شدہ مافی الضمیر شد ماخذش حدیقه موصوف احمدی</p>

فرزند شیخ حامد معروف و ابن شان

شیخ بہادر اندکبر سے عدل و داد

تاریخ سے بگفت سروشم قلب شاہ
گلدستہ است از زمین علم دین و داد

تاریخ نامی تالیف حقیقت السورت از فکر نازک خیال جناب سید المراد علی خاں خاں

شفیق حضرت منعم نے از رہ الطاف
جناب شیخ بہادر ہے جنکا اسم شریف
عطا ہے انکے بزرگوں کو شاہ دہلی سے
ہنرمین علم میں اخلاق میں مروت میں
شریف عالی گھر صدر فیوض اتم
کیا ہے ایک رسالہ جو اپنے تالیف
خدا زیادہ کرے عمر و دولت و سعادت
ہوئی جو شکریے سال مجکو اسی خاموش
سنا یہ مرادہ کہ تالیف شیخ صاحب میں
اسی طرح سے لکھا سال سیوی خاموش
نذایہ آئی کہ بدارت سورت پاک
اور آپ ہی کی سیحانی سو قیامت تک
لکھا جو نسخہ دلچسپ شیخ صاحب نے
یہ مرادہ سنتے ہی خاموش ہو گیا روشن

سنا یا مرادہ یہ مجکو عجیب فرحت کا
ہے عرف شیخوں بیان اس شریف طہیت کا
خطاب عمدہ تجار متعہ عزت کا
نظر پڑانہ بشر کوئی اس یاقوت کا
یہ ایک شہہ بیان ہے کمال حضرت کا
ولا ہے کام یہ کوشش کا اور بہت کا
خیال اہل وطن کی جہے عزت کا
تو انتظار رہا غیب سے استغانت کا
وسیع حال ہے ہشتادگان سورت کا
دلی دعا یہ کہ موقع ہے استجابت کا
ستارہ اوج پہ ہو ساکنان سورت کا
بخیر زندہ رہا نام اہل سورت کا
تو غور تھا کہ لکھا جائے سال سمت کا
ابد ابو ہے کہو اب چہ پراغ سورت کا

وَلَا تَكُنْ

انکا بست در تہ ای پیر ہے
 خوب ہے اخلاص ہے اور پیار ہے
 آپکے یہ لطف کا اظہار ہے
 مست جو ہر اسکا وہ ہشیار ہے
 مرہم زحیم جگر انگار ہے
 صنم ہر اک صنم گلزار ہے
 سطر ہر اک نمبر چین و آرا ہے
 مشتری خود جسکا خریدار ہے
 اب سنہ ہجری کا طلبگار ہے
 بس بسو یہ گلشن بے خار ہے

شیخ بہا اور جوہن عالی وقار
 اہل وطن سے اُنہیں اور دوستو
 جمع کیا حالِ بزرگانِ شہر
 دید میں جسکے ہر خوشیکار
 صبر و دلِ عاشقِ مصنّف ہے یہ
 ورق ہے اسکا ورقِ بونشان
 حرف ہیں مثلِ گلِ باغِ جنان
 نعلے ہیں گلِ حسنِ فلکِ بیجا
 ہاں لُ خاموش بعد آرزو
 باغ میں یون و اہولِ باغبان

ایضاً

رسالہ شیخ صاحب نے نہایت پرہیزگار
 نیبائی شمعِ مفضل حق لکھا ہے اور سب لکھا

فراہم کر کے حالِ بزرگانِ شہر سوائے
 سن ہجری کو بیٹے حرفِ منقوط اسی موش

ایضاً

بے شبہیے حالِ حالاتِ بار بار نمود
 ہیں حروفِ مصرعِ آخرت اچھے شہود
 یادگار شہر سورتِ منجر رسم وجود

یہ شخص صاحب لکھی جوقت یہ نادری کتاب
 ناظرینِ خاموش و نایمخ اسکی یون لکھی
 مہل اور منقوط سر و سوالِ ہجری ہیں بیان